

Pathology of Political Organization of Space in Iran from the Perspective of Structure-Agency Approach

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors:

¹Saeed Azizi (MA.)*

²Rasool Afzali (Ph.D.)

¹ Master of Political Geography, Tehran University, Tehran, Iran.

²Associate Professor of Political Geography, Tehran University, Tehran, Iran.

Correspondence*:

Department of Political Geography, Tehran University, Tehran, Iran.

Email:

saeed_azizi_ut@yahoo.com

Article History

Received: 14 November 2021.

Accepted: 25 January 2022.

Political organization of space is an organized human space based on political considerations and it is one of the most important factors of territoriality in different scales for political roles, to control and effective management of land and in all countries of the world it is one of the pillars of development. The civil divisions of the country are one of the dimensions of the political organization of the space used by governments. The research method is descriptive-analytic and the method of data collection is matrix. The purpose of this study is the pathology of the political organization of space in Iran from the perspective of the structure- agent approach. The results show that the structural factor with components such as constitution, type of government, national security, laws of division of the country, development programs, security laws, emergency controls, strategic ideas, high oversight, the prevailing political discourse and the central development model have the greatest impacts. Among the components of the Agent, the components of president and members of parliament have a high weight in the political organization of space in Iran but other agent components are not effective and in general, the influence of the structure factor in political organization of space is greater than the agent in Iran.

Keywords: Political Organization of Space, Structure, Agent, Administrative Divisions ,Iran.

آسیب شناسی سازماندهی سیاسی فضا در ایران از منظر رهیافت ساختار - کارگزار

سعید عزیزی* M.A.

کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رسول افضلی Ph.D.

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

سازماندهی سیاسی فضا، یک فضای سازمان یافته انسانی براساس ملاحظات سیاسی و یکی از مهمترین عوامل قلمروسازی در مقیاس فروملی تا فراملی جهت سازماندهی برای ایفای نقش‌های سیاسی، کنترل و اداره موثر سرزمین است به‌طوری که در همه کشورهای جهان یکی از ارکان توسعه است و اساس هر حکومتی را تشکیل می‌دهد. تقسیمات سیاسی کشور یکی از ابعاد سازماندهی سیاسی فضا است که حکومت‌ها از آن استفاده می‌کنند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها و اطلاعات، ماتریس است. هدف از این پژوهش، آسیب شناسی سازماندهی سیاسی فضا در ایران از منظر رهیافت ساختار - کارگزار است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عامل ساختار با مولفه‌هایی چون: «قانون اساسی، نوع حکومت، امنیت ملی، قوانین تقسیمات کشوری، برنامه‌های توسعه، قوانین امنیتی، کنترل‌های اضطراری، اندیشه‌های استراتژیک، نظارت عالی، گفتمان سیاسی حاکم و الگوی توسعه مرکز - پیرامون» بیشترین اثرگذاری را در سازماندهی سیاسی فضا داشته‌اند و در بین مولفه‌های کارگزار، هرچند مولفه روسای جمهوری و نمایندگان مجلس وزن بالایی در سازماندهی سیاسی فضا در ایران دارند، اما سایر مولفه‌های کارگزار تاثیرگذار نیستند و در مجموع میزان تاثیرگذاری عامل ساختار در سازماندهی سیاسی فضا در ایران بیشتر از عامل کارگزار می‌باشد.

کلمات کلیدی: سازماندهی سیاسی فضا، ساختار، کارگزار،

تقسیمات کشوری، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

نویسنده مسئول: saeed_azizi_ut@yahoo.com

مقدمه

سازماندهی سیاسی فضا، جهت کنترل و اداره موثر سرزمین یکی از مهمترین عوامل قلمروسازی به شمار می‌رود [۱۴] که طی آن بخشی از سطح زمین توسط مرز محدود و برای ایفای نقش‌های سیاسی، سازماندهی می‌شود [۱۳]. به بیان دیگر فرآیند تقسیم فضا (محیط جغرافیایی) و ایجاد تشکیلات خاص براساس ملاحظات سیاسی، «سازماندهی سیاسی فضا» نام دارد و تقسیمات سیاسی کشور یکی از مظاهر آن است [۶]. در سازماندهی سیاسی فضا مقیاس از سطح فروملی تا فراملی است و برخی از مصداق‌های آن عبارتند از: مقیاس محلی: شهر، استان و ایالت؛ مقیاس ملی: کشور یا حکومت ملت پایه؛ مقیاس منطقه‌ای: سازمان‌های منطقه‌ای مانند اکو، آسه آن، نفتا، اتحادیه اروپا و واحدهای فرهنگی - تمدنی؛ مقیاس فرامنطقه‌ای: سازمان همکاری شانگهای و مقیاس جهانی: سازمان ملل متحد، تهدیدهای جهانی مانند گرم شدن زمین و مسائل مربوط به جهانی شدن. چگونگی سازماندهی سیاسی فضا، نقش موثری در توسعه کشورها دارد؛ زیرا با تقسیم سرزمین به واحدهای کوچکتر، تصمیمات مهمی در مورد چگونگی رشد و توسعه ناحیه مورد نظر اتخاذ می‌شود. قرن بیستم، قرن سازماندهی سیاسی فضای ملی و محلی است. در این قرن کره زمین و جمعیت جهان بیشترین ناحیه سازی، قلمروسازی، مرزبندی، کشورسازی، ایالت سازی، استان سازی و در مجموع تقسیم بندی سیاسی فضای جغرافیایی را شاهد بوده است [۷]. این روند در حال حاضر نیز ادامه دارد و سازماندهی سیاسی فضا در همه کشورهای جهان یکی از ارکان توسعه است. اما در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در خاورمیانه به علت ضعف شناخت جریان‌ها و نیروهای تاثیرگذار در سازمان سیاسی فضا در ساختارهای در حال توسعه، باعث برهم خوردن نظم درونی فضا و بی نظمی در تکوین و تکامل آن می‌شود که به توسعه نابرابر و غیرمتعادل در این کشورها منجر می‌گردد لذا نیاز است که در خاورمیانه به امر سازماندهی سیاسی فضا توجه کافی شود تا موجب توسعه نابرابر و غیرمتعادل در این کشورها نگردد. سازماندهی سیاسی فضا به شکل مدرن در ایران و به‌نحوی که بتواند جوابگوی مقتضیات جدید سیاسی و حکومتی باشد با تدوین نخستین قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۲۸۶ خورشیدی رقم خورد که کشور ایران را به ایالت، بلوک و ده به

تئوری ساختار- کارگزار ریشه‌های آن در علم جامعه شناسی (نظریات آلتوسر و پولانزاس) است. اما در جغرافیای سیاسی، بعضی از جغرافیدانان سیاسی مانند «کالین فلینت» نیز این تئوری را مورد بررسی قرار داده‌اند.

ساختارگرایی در جامعه شناسی

استفاده از مفهوم ساختارگرایی در مباحث جامعه شناسی به سده نوزدهم برمی‌گردد. نخستین بار امیل دورکیم، از ساختار ریخت شناسی گروه سخن گفت و به دنبال آن مارکس از زیربنا و روبنا سخن به میان آورد. از نظر «لوی اشتراوس» ساختار یعنی الگوهای ذهنی اندیشمندان که به وسیله آن می‌توان به ساخت‌های نهفته اجتماع پی برد. برخی از ساخت‌گرایان ساخت را به امر واقعی و برخی دیگر آن را امر انتزاعی و مفهومی ذهنی تعریف کرده‌اند. به نظر می‌رسد در تعریف لوی اشتراوس ترکیبی از همبستگی اجزای یک مجموعه با هدف معین مدنظر باشد. برخی ساخت را به قانون‌های ثابت و لایتغیری تعریف کرده‌اند که در همه سطوح زندگی انسانی از شکل بدوی تا پیشرفته مدخلیت دارد. ساختار یا ساخت به معنای چارچوب متشکل پیدا یا ناپیدا؛ عبارت از نظامی است که در آن همه اجزا در پیوند با یکدیگرند و در کارکردی هماهنگ، کلیت اثر را می‌سازند و موجودیت کل اثر در گرو همین کارکرد هماهنگ است. این کارکرد، هدف مشخصی را پیش رو دارد و کنش یا عمل معینی را انجام می‌دهد که بدون تعامل و همکاری اجزا امکان پذیر نیست [۱]. در هر ساختاری روابطی ضروری و عینی در کار است که به گفته «مارکس»: «قبل از این که ما در موقعیتی قرار بگیریم که آنها را تعیین کنیم، تا اندازه‌ای پیشاپیش شکل گرفته است». نیروهای تعیین کننده در درون ساخت‌های خود جامعه قرار دارد و ساخت‌های جامعه لزوماً هماهنگ با خواست و طرح هیچ گروه یا طبقه‌ای نیست. رهبران و مقامات و صاحبان قدرت در جامعه نیز خود تحت تاثیر نیروهای ساختی قرار دارند و در معنای والتاریستی کلمه، تعیین کننده و کارگزار نیستند. دولت و حکومت تنها کرسی و جایگاهی در درون شبکه پیچیده ساخت جامعه محسوب می‌شود. ساخت قدرت در جامعه کارگزار آزادی نیست که خواست‌های عقلانی را تعقیب کند بلکه تابع مقتضیات ساخت‌های کلی است [۲]. در دهه ۱۹۶۰ جامعه شناسان

لحاظ سلسله مراتبی تقسیم نمود و به دنبال آن در آبان ۱۳۱۶ خورشیدی قانون تقسیمات کشوری اصلاح و نظام سلسله مراتبی تقسیمات کشوری جدیدی متشکل از استان، شهرستان، بخش و دهستان ارائه شد [۱۲]. تقسیمات کشوری مناسب می‌تواند منجر به کارآمدی نظام اداری یک کشور شده و ثبات سیاسی و اجتماعی را به ارمغان آورد و در مقابل تقسیمات کشوری نامناسب می‌تواند موجب ناکارآمدی نظام اداری یک کشور شده و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و عدم توزیع مناسب امکانات و فرصت‌ها را به دنبال داشته است. این موضوع در ایران از منظرهای مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. این مقاله درصدد است تا سازماندهی سیاسی فضا در ایران را از منظر جدید رهیافت ساختار- کارگزار مورد مطالعه قرار دهد. ساختارگرایان به ساختارها عاملیت می‌دهند و در جهت عکس پسا ساختارگرایان به کارگزاری انسان تاکید دارند. رهیافت ساختار- کارگزار هر دو عامل را دخیل می‌داند. با وجود این، عاملیت ساختار یا کارگزار در کشورهای مختلف متفاوت است. این پژوهش درصدد است تا به ارزیابی میزان اثرگذاری دو عامل ساختار یا کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا در ایران بپردازد.

مبانی نظری تحقیق

پدیده ساختار- کارگزار در علوم اجتماعی سال‌ها است که محل مناقشه اندیشمندان علوم اجتماعی است. دیالکتیک ساختار- کارگزار، یک موضوع پیچیده‌ای است که ابعاد هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی دارد [۹]. ساختار- کارگزار مسئله‌ای است که می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار گیرد و به تبیین مسائل علوم اجتماعی (علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، علوم جغرافیایی، حقوق و...) کمک کند. مسئله ساختار- کارگزار همواره هسته اصلی نظریه‌های سیاسی و اجتماعی را شکل داده است؛ چرا که همواره این مسئله مطرح بوده که در بین نقش کارگزار و یا ساختارهای حاکم، نقش کدامیک در جامعه بیشتر است؟ [۸]. میزان تاثیرگذاری ساختار و کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا دو مبحث اصلی است که در مبانی نظری پژوهش به آن پرداخته می‌شود و درواقع بر این مسئله تاکید می‌شود که کدام یک از این دو نیروی ساختار و کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا اثرگذاری بیشتری دارند.

نظریات ساختگرایی و رابطه ساختار- کارگزار در

اندیشه نیکوس پولانزاس

پولانزاس، نظریه پرداز برجسته مارکسیسم کوشید اندیشه‌های ساختگرایانه آلتوسر را در تحلیل طبقات اجتماعی و کارگزاران و رابطه آنها با ساختارها و دولت به کار گیرد. در آثار پولانزاس، ساختارها و دولت نقش فعال خود را به عنوان عامل انسجام و بازتولید فرم‌اسیون اجتماعی به دست می‌آورد. به طور کلی مارکسیسم پولانزاس همانند مارکسیسم آلتوسر در مقابل گرایش‌های اکونومیستی، ایدئالیستی و اگزیستانسیالیستی در مارکسیسم قرن بیستم قرار می‌گیرد. با آنکه نیکوس پولانزاس کوشید نظریات ساختگرایانه آلتوسر را در مورد سیاست، طبقات اجتماعی و دولت به کار برد، لیکن چرخش‌های نظری محسوسی در آثار او وجود دارد. در نظریه اولیه پولانزاس در کتاب «قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی» برخلاف آثار بعدی وی نظریه‌ای ساختگرایانه و تاکید بر ساختارها است که به موجب آن دولت در درون ساخت‌های طبقاتی قرار دارد و تداوم آنها را تضمین می‌کند [۳]. اثر مهم اولیه او یعنی «قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی» به نحو روشنی ساختگرایانه و ساختارها نسبت به کارگزاران مسلط است. در حالی که پولانزاس در آخرین اثر خود یعنی «دولت، قدرت، سوسیالیسم» تاکید بیشتری بر کارگزاران و نیروهای اجتماعی دارد. بنابراین می‌توان گفت که پولانزاس در آخرین اثر خود، تاکید بیشتری بر نقش کارگزاران نسبت به ساختار دارد.

ساختارگرایی و تئوری ساختار- کارگزار در جغرافیای

سیاسی

جغرافیای ساختاری در اوایل دهه ۱۹۷۰ در میان جغرافیدانان هوادارانی یافت. ابتدا جغرافیدان‌های رادیکال با تاثیرپذیری از ساختارگرایی آلتوسری، نظریه پردازی را آغاز نمودند. جغرافیای ساختاری این پرسش را مطرح می‌کند که جامعه چگونه کار و فعالیت می‌کند و نقش ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکل دادن به رفتارهای جوامع انسانی چگونه می‌باشد. جغرافیای سیاسی ساختارگرا در پاسخ به بحران‌های سرمایه داری به ویژه بحران ویتنام و ناآرامی‌های حاشیه نشین‌های شهری در کشورهای پیشرفته به جغرافیای رادیکال منجر گردید که هدف آن ایجاد تغییرات ساختاری در زمینه

مارکسیست، ساختارگرایی را مطرح کردند. آنها در حمله به نظام سرمایه داری، حاکمیت این نظام را ساختاری می‌دیدند و از همین رو نسبت به مارکسیست‌های قبل فروپاشی آن را امکان پذیر می‌دانستند. ساختارگرایی بر انسان شناسی، جامعه شناسی و جغرافیا تاثیرات شگرفی بر جای نهاده است [۱۰]. مهم ترین جامعه شناس‌هایی که با نظریات آنها، ساختارگرایی به عنوان روش مطالعاتی مطرح شد، لویی آلتوسر و نیکوس پولانزاس هستند. بررسی نظریات این دو، کاربرد روش ساختارگرایی و رابطه ساختار- کارگزار را برای مطالعات جغرافیای سیاسی، سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری آسان تر می‌کند.

نظریات ساختگرایی و رابطه ساختار- کارگزار در

اندیشه لویی آلتوسر

از نظر آلتوسر، ساختارها دارای عمق هستی شناختی است. برخلاف جبرگرایان اقتصادی و ساخت گرایان متصلب که ساخت جامعه را مادی، سخت و مشاهده پذیر می‌دانند، آلتوسر معتقد است ساختارهای واقعی مشاهده ناپذیر، نرم و نامرئی است. البته اینکه او ساختارهای اجتماعی را دارای عمق هستی شناختی و وجود نرم می‌داند، او را از جرگه ماتریالیست‌ها دور نمی‌سازد؛ زیرا وجود مشاهده ناپذیر و نرم از نظر او مساوی با وجود غیرمادی نیست. او معتقد است ساختارها پنهان ولی مسلط بر جامعه سرمایه داری است. این سخن بیشتر به شیوه مطالعه این ساختارها برمی‌گردد؛ زیرا با روش رایج پوزیتیویستی، ساختارهای پنهان جامعه سرمایه داری قابل درک و مطالعه نیست. این نظریه مدعی است تجربه‌ای که ما از خلق کنش‌های خود داریم به تعبیری غلط یا «ایدئولوژیک» است؛ آنچه واقعا اتفاق می‌افتد این است که ساختارهای زیربنایی اجتماعی، کنش‌های ما را تعیین می‌کنند. افراد و کنشگران، عروسک‌های خیمه شب بازی بیش نیستند؛ ساختارها رشته نخ‌های نامرئی است که عروسک‌ها را به حرکت درمی‌آورند؛ اما خود نخ نامرئی است. از این روی، در اندیشه آلتوسر، فرد جایگاهی ندارد و تحت الزام جامعه است؛ بنابراین اصالت ندارد. آلتوسر جامعه را یک کل می‌داند و این کل همان چیزی است که وی آن را ساختار مسلط می‌داند [۱۱]. بنابراین می‌توان گفت آنچه واقعا از نظر آلتوسر اصالت دارد، ساختارها است که بر افراد و کارگزاران در دولت مسلط است.

عدالت اجتماعی به نفع گروه‌های حاشیه نشین و کشورهای جنوب بود. انتشار آثاری مانند «عدالت اجتماعی و شهر» نوشته دیوید هاروی و «مسئله شهری» اثر مانوئل کاستلز در همین راستا بود. پیتر تیلور و نوشته تاثیرگذار وی با نام جغرافیای سیاسی (۱۹۸۵ و ۱۹۸۹) با تکیه بر نظریه جهانی والراشتاین (مبتنی بر ساختارگرایی) نقش مهمی در پیشرفت جغرافیای سیاسی ساختارگرا در چهارچوب مقیاس‌های محلی، ملی و جهانی ایفا نمود [۱۰]. غیر از جامعه شناسان مثل آلتوسر و اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین الملل، مثل کنت والتز که در مورد اهمیت ساخت‌های جغرافیایی در تعیین معادلات سیاسی سخن گفته‌اند، برخی از صاحب نظران جغرافیای سیاسی هم به صورت مستقیم از این رویکرد استفاده برده‌اند. مهم ترین آنها «پیتر تیلور»، «جانستون»، «اگنیو»، «اتوا»، و همچنین «کالین فلینت» که در کتاب «مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک» به آن اشاره کرده است و اعتقاد دارد که در ژئوپلیتیک هم دو نیروی ساختار - کارگزار بر فرایندهای ژئوپلیتیکی تاثیر می‌گذارند. ساختار از نظر فلینت چارچوب‌های محدودکننده‌ای هستند که بر عرصه ژئوپلیتیک حاکمند و بازیگران را در اسارت دارند. ساخت در نظریه فلینت همان نیروی محدودکننده اجتماعی و جغرافیایی است که پولاتزاس و آلتوسر در نظر داشتند. این نیروها به‌طور معمول در لایه‌های زیرین اجتماعی نهفته‌اند و مشاهده شدنی نیستند. ساختارها، قواعد بازی ژئوپلیتیکی را تعیین می‌کنند و گریزی از آنها نیست. کارگزار در مقابل نیروها و جریان‌های ساختارشکن است که علیه ساخت‌ها مبارزه می‌کند و خواهان فراتر رفتن از آنها است. کارگزار می‌تواند به شکل یک کشور یا یک رهبر سیاسی یا کنش سیاسی خود را نشان دهد. از نظر فلینت ژئوپلیتیک عرصه تقابل این دو نیروست و تحلیل جامع آن مستلزم لحاظ کردن تقابل‌های این دو خواهد بود [۱]. فلینت معتقد است که کارگزارها داخل ساختارها عمل می‌کنند. ساختارها همیشه نقش محدودکننده ندارند، بلکه گاهی شاید بازیگری کارگزارها را تسهیل کنند؛ به عبارت دیگر امکان دارد ساختارها فرصت‌هایی را برای کارگزارها جهت رسیدن به اهدافشان فراهم کنند [۵]. از نظر فلینت یک ساختار، مجموعه‌ای از قوانین (رسمی به‌عنوان قوانین لازم الاجرا) و هنجارها (اعمال پذیرفته شده فرهنگی) است که بعضاً آن چه را که می‌توان و نمی‌توان یا باید و نباید

انجام شود، تعیین می‌نماید. در این مفهوم ساختارها، مظاهر قدرت هستند به نحوی که آنها چیزی که مجاز و مورد انتظار است را تعیین می‌نمایند و کارگزارها موجودیت‌هایی هستند که برای عمل در تلاشند. به کارگزار، هم فرصت‌هایی برای عمل کردن و هم محدودیت‌هایی برای اقدامات ممکن آنها بر پایه ساختارهایی که درون آن عمل می‌کنند، داده می‌شود. تفکر درباره ساختارهایی که کارگزار به‌عنوان سلسله مراتبی از مقیاس‌ها درون آنها عمل می‌کنند اجازه می‌دهد که فضاهای کلیدی مورد نزاع را بشناسیم. به عبارت دیگر، می‌توانیم هم سیاست و هم جغرافیا و از این رو، جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک مربوطه را تعریف نماییم [۵]. به‌طور کلی می‌توان گفت که کالین فلینت معتقد است که ساختارها و کارگزاران در جغرافیای سیاسی تاثیرگذارند. کاربرد رهیافت ساختار - کارگزار در مطالعه پدیده‌های سیاسی از این جنبه که بخش مهمی از واقعیت‌های نهفته در لایه‌های زیرین اجتماعی را مکشوف می‌کند، مفید است.

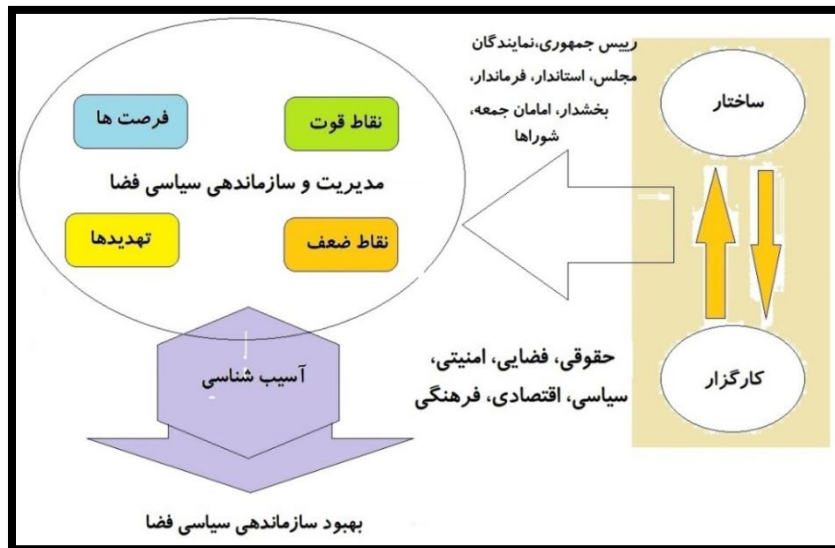
الگوی نظری تحقیق

عرصه جغرافیایی و سرزمینی، محل حکمرانی و اعمال اراده سیاسی حکومت و نشان دهنده شاخصه‌ها و ارزش‌های آن است. سیستم مدیریتی حکومت در این عرصه سرزمینی مسئول اداره و تنظیم امور مدنظر خود و شکل دادن به سیاست‌هایی است که مطابق با خواسته‌ها و اهداف خود می‌باشد. تحقق این فرایندها، یعنی اعمال اراده سیاسی بر فضای جغرافیایی و مردم و شهروندان آن متأثر از ساختار شکل گرفته و کارگزاران مامور اجرای آن هستند. هر کدام از عناصر و عوامل ساختار یا کارگزار به نوعی در مدیریت سیاسی فضا تاثیر گذاشته و تغییر و تحول را سبب می‌شود. در نظام‌های بسیط و متمرکز این فرآیند مدیریت فضا یعنی تاثیر سیاست‌ها بر شرایط جغرافیایی و سرزمینی با مدل سلسله مراتبی فضای سیاسی ارتباط تنگاتنگی دارد. در مدل سلسله مراتبی سطوح مدیریت سیاسی، از بالای هرم قدرت به لایه‌های زیرین بعد سیاسی کاسته می‌شود و بعد اجرایی ارگان‌های سیستم افزایش می‌یابد. اگر سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا خواستار تبدیل به شرایط پایدار در عرصه سرزمینی است بایستی عناصر ساختار و کارگزار روابط چندگانه و به نوعی ارتباط متقابلی با یکدیگر داشته باشند. این روابط و تعامل عناصر سبب ثبات سیستم سیاسی شده و کارایی آن را

سمت همگرایی پیش می‌رود و در نتیجه، تعادل در این سیستم ایجاد می‌شود. در چنین سیستمی، همه نیروهای ساختار و کارگزار برای ایجاد تعادل و بهبود وضعیت تلاش می‌نمایند.

همواره بیشتر می‌نماید. به عبارتی اگر عناصر سازماندهی سیاسی فضا اعم از ساختار و کارگزار، عملکردهای مکمل داشته باشند و برای بهبود عرصه مدیریت سرزمینی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تلاش کنند، سیستم مدیریتی به

شکل ۱: الگوی نظری تحقیق. بررسی آسیب شناسی و تاثیر ارتباط متقابل مولفه‌های ساختار و کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا در ایران



منبع: نگارندگان

مانند تحلیل اثرات وارد نموده و میزان ارتباط میان این مولفه‌ها با حوزه مربوطه توسط خبرگان، تشخیص داده می‌شود. مولفه‌های موجود در سطرها بر مولفه‌های موجود در ستون‌ها تاثیر می‌گذارند. پس بدین ترتیب مولفه‌های سطرها، تاثیرگذار و مولفه‌های ستون‌ها، تاثیرپذیر هستند. میزان ارتباط با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد «صفر» به منزله «بدون تاثیر»، عدد «یک» به منزله «تاثیر ضعیف»، عدد «دو» به منزله «تاثیر متوسط» و در نهایت عدد «سه» به منزله «تاثیر زیاد» است؛ بنابراین اگر تعداد مولفه‌های شناسایی شده n باشد، یک ماتریس $n \times n$ به دست آمده که در آن تاثیرات مولفه‌ها بر یکدیگر مشخص شده است. این ماتریس به دست آمده را می‌توان با نمودار متناظر آن نیز نمایش داد که در آن نمودار جهت تاثیرگذاری هر گروه بر دیگری توسط «پیکان‌ها» و میزان تاثیرگذاری به صورت عددی در بالای آن پیکان، نمایش داده می‌شود؛ و نهایتاً براساس توپولوژی مولفه‌ها این نرم‌افزار قادر است به رتبه‌بندی و استخراج عوامل کلیدی اقدام کند [۴].

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر ماهیت به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. ابزار آن پرسشنامه بوده که به صورت ماتریس طراحی شده است. برای سنجش و ارزیابی تحقیق پرسشنامه‌ای طراحی گردید و با مراجعه محقق به ۶۰ نفر از اساتید، کارشناسان، دانشجویان و پژوهشگران در حوزه موضوع تحقیق (جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، برنامه ریزی شهری و روستایی، جامعه شناسی توسعه) پرسشنامه تکمیل و از نرم افزار میک مک برای تحلیل داده‌های به دست آمده، استفاده شده است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده ها

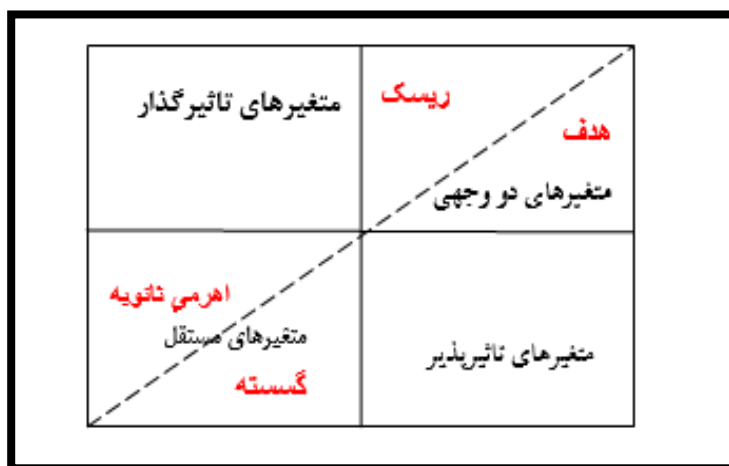
در این تحقیق از روش تحلیل ساختاری و نرم افزار میک مک جهت تجزیه و تحلیل داده استفاده شده است. نرم‌افزار میک مک جهت انجام محاسبات پیچیده ماتریس متقاطع طراحی شده است. روش این نرم‌افزار بدین گونه است که ابتدا مولفه‌های مهم در حوزه مورد نظر را شناسایی کرده و سپس آن‌ها را در ماتریسی

شهری و روستایی و علوم سیاسی اثرگذاری و اثرپذیری متقابل آن‌ها بررسی شد. این روش میزان اثرگذاری هر گویه و همچنین سیر حرکت آن‌ها را مشخص می‌سازد.

هر کدام از مولفه‌ها با توجه به تاثیرگذاری و تاثیرپذیری در این نمودار قرار می‌گیرند. موقعیت آن‌ها در نمودار نشان دهنده جایگاه مولفه‌ها در سیستم و تحولات آن‌ها در آینده است.

در این تحقیق پس از بررسی و تعیین مولفه‌های تاثیرگذار بر دو عامل ساختار یا کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا، با استفاده از نظر کارشناسی در نرم افزار MICMAC به بررسی روابط میان مولفه‌ها پرداخته شد. در این مسیر به منظور شناسایی عوامل تاثیرگذار به تدوین پرسش‌نامه با ۵۷ مولفه اقدام شده است. سپس با وزن دهی مولفه‌ها توسط تیمی از کارشناسان در حوزه‌های مختلف جغرافیای سیاسی، جامعه شناسی توسعه، برنامه ریزی

شکل ۲: فراگیری مولفه‌های در نرم افزار میک مک.



منبع: [۴]

سیاسی سازماندهی سیاسی فضا مولفه‌های این بُعد در ۶ بخش زیر به تفکیک تقسیم بندی شده است:

۱. مولفه‌های ساختار حقوقی

در جدول زیر ۱۰ عدد از مولفه‌های ساختار حقوقی و میانگین وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه این پژوهش درصدد ارزیابی میزان اثرگذاری دو عامل ساختار یا کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا است، مولفه‌های ماتریس در دو بخش کلی مولفه ساختار و مولفه‌های کارگزار به شرح ذیل تقسیم بندی شده است:

مولفه‌های ساختار

با توجه به گستردگی و شناخت هرچه بیشتر ابعاد ساختار

جدول ۱: تعداد مولفه‌های ساختار حقوقی و میانگین وزنی آن

ردیف	مولفه‌های ساختار حقوقی	میانگین وزنی
۱	قانون اساسی	۲.۴۴۲
۲	قوانین تقسیمات کشوری	۲.۱۷۸
۳	برنامه‌های توسعه	۲.۱۶۳
۴	قوانین و مقررات مربوط به ترکیب جمعیتی	۱.۹۰۲
۵	محدودیت‌های حقوقی همگونگی اجتماعی و فرهنگی	۱.۶۶۲
۶	ساختارهای حقوقی مجاورت و همجواری	۱.۳۶۶
۷	قوانین و مقررات فاصله و مسافت	۱.۵۷۸

۸	الگوی توسعه مرکز- پیرامون	۱.۹۴۶
۹	قوانین امنیتی	۲.۱۵۴
۱۰	پیشینه تقسیمات کشوری	۱.۵۳۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

ترکیب جمعیتی و الگوی توسعه مرکز- پیرامون کمترین امتیاز را در این بخش داشته‌اند.

۲. مولفه‌های ساختار امنیتی

در جدول زیر ۸ عدد از مولفه‌های ساختار امنیتی و میانگین وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

از بین مولفه‌های ذکر شده در ساختار حقوقی تاثیرگذار در سازماندهی سیاسی فضا، به ترتیب مولفه‌های: قانون اساسی کشور، قوانین تقسیمات کشوری، برنامه‌های توسعه و قوانین امنیتی بیشترین امتیاز را داشته‌اند. از سوی دیگر مولفه‌های: ساختارهای حقوقی مجاورت و همجواری، پیشینه تقسیمات کشوری، محدودیت‌های حقوقی همگونگی اجتماعی و فرهنگی، قوانین و مقررات فاصله و مسافت، قوانین و مقررات مربوط به

جدول ۲: تعداد مولفه‌های ساختار امنیتی و میانگین وزنی آن

ردیف	مولفه‌های ساختار امنیتی	میانگین وزنی
۱	وجود سازمان‌های ذی نفوذ	۱.۹۴۹
۲	آرمان وحدت ملی	۱.۷۲۸
۳	امنیت ملی	۲.۱۷۹
۴	اندیشه‌های استراتژیک	۲.۰۱۷
۵	کنترل‌های اضطراری	۲.۱۰۹
۶	نظارت عالی	۱.۹۱۶
۷	توسعه هماهنگ ملی	۱.۵۷۱
۸	پایداری کشور	۱.۶۸۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

کمترین امتیاز را داشته‌اند.

۳. مولفه‌های ساختار سیاسی

در جدول زیر ۸ عدد از مولفه‌های ساختار سیاسی و میانگین وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

از بین مولفه‌های ذکر شده در ساختار امنیتی تاثیرگذار در سازماندهی سیاسی فضا، به ترتیب مولفه‌های: امنیت ملی، کنترل‌های اضطراری و اندیشه‌های استراتژیک بیشترین امتیاز و مولفه‌های: توسعه هماهنگ ملی، پایداری کشور، آرمان وحدت ملی، نظارت عالی و وجود سازمان‌های ذی نفوذ به ترتیب

جدول ۳: تعداد مولفه‌های ساختار سیاسی و میانگین وزنی آن

ردیف	مولفه‌های ساختار سیاسی	میانگین وزنی
۱	حفره‌های قومی- مذهبی	۱.۴۸۷
۲	مجاورت و همسایگی برون مرزی	۱.۳۹۹
۳	تجانس ساختارهای اجتماعی	۱.۵۳۷
۴	نوع حکومت	۲.۱۸۷
۵	رقابت‌های ژئوپلیتیکی محلی	۱.۶۳۳
۶	ساختار سلسله مراتبی	۱.۵۷۴
۷	نظام کلیتالیستی (حامی- پیرو) در ساختار اجتماعی	۱.۳۷۰
۸	گفتمان سیاسی حاکم	۱.۸۳۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

از بین مولفه‌های ذکر شده در ساختار سیاسی تاثیرگذار در کمترین امتیاز را داشته اند.

سازماندهی سیاسی فضا، به ترتیب مولفه‌های: نوع حکومت،

گفتمان سیاسی حاکم، رقابت‌های ژئوپلیتیکی محلی، ساختار

سلسله مراتبی و تجانس ساختارهای اجتماعی بیشترین امتیاز و

مولفه‌های: نظام کلیتالیستی(حامی-پیرو) در ساختار اجتماعی،

مجاورت و همسایگی برون مرزی، حفره‌های قومی- مذهبی

۴. مولفه‌های ساختار فرهنگی

در جدول زیر ۷ عدد از مولفه‌های ساختار فرهنگی و میانگین

وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

جدول ۴: تعداد مولفه‌های ساختار فرهنگی و میانگین وزنی آن.

ردیف	مولفه‌های ساختار فرهنگی	میانگین وزنی
۱	ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی (فرهنگ تبعی)	۱.۳۸۴
۲	فرهنگ محلی	۱.۲۴۸
۳	اثرگذاری اندیشه‌های جهانی	۱.۲۹۱
۴	ساختار قومی- فرهنگی	۱.۳۸۲
۵	قلمروخواهی	۱.۲۱۵
۶	پیشینه تاریخی فرهنگی	۱.۳۷۲
۷	نظام اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی	۱.۴۸۸

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

از بین مولفه‌های ذکر شده در ساختار فرهنگی تاثیرگذار در محلی بوده است.

سازماندهی سیاسی فضا، بیشترین امتیاز به ترتیب برای

مولفه‌های: نظام اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی، ویژگی‌های

اجتماعی- فرهنگی (فرهنگ تبعی)، ساختار قومی- فرهنگی و

پیشینه تاریخی فرهنگی و کمترین امتیاز نیز به ترتیب برای

مولفه‌های: قلمروخواهی، اثرگذاری اندیشه‌های جهانی و فرهنگ

۵. مولفه‌های ساختار فضایی (جغرافیایی)

در جدول زیر ۱۰ عدد از مولفه‌های ساختار فضایی و میانگین

وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

جدول ۵: تعداد مولفه‌های ساختار فضایی و میانگین وزنی آن

ردیف	مولفه‌های ساختار فضایی	میانگین وزنی
۱	جغرافیا و اقلیم	۱.۳۳۲
۲	ویژگی‌های طبیعی	۱.۳۱۴
۳	منابع معدنی و زیرزمینی و انرژی‌ها	۱.۳۰۳
۴	ساختار فضا و تعاملات داخلی و خارجی	۱.۳۱۶
۵	جمعیت و پراکندگی	۱.۴۶۲
۶	ناهمواری و وسعت	۱.۲۶۸
۷	حوزه‌های نفوذ	۱.۲۶۰
۸	شعاع عملکرد	۱.۱۹۴
۹	دسترسی	۱.۳۰۷
۱۰	موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور	۱.۶۸۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

و ژئواستراتژیکی کشور، جمعیت و پراکندگی، جغرافیا و اقلیم،

ساختار فضا و تعاملات داخلی و خارجی و ویژگی‌های طبیعی

از بین مولفه‌های ذکر شده در ساختار فضایی تاثیرگذار در

سازماندهی سیاسی فضا، به ترتیب مولفه‌های: موقعیت ژئوپلیتیکی

۶. مولفه‌های ساختار اقتصادی

در جدول زیر مولفه‌های ساختار اقتصادی و میانگین وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

بیشترین امتیاز را داشته‌اند. کمترین امتیاز نیز به ترتیب برای مولفه‌های: دسترسی، منابع معدنی و زیرزمینی و انرژی‌ها، ناهموازی و وسعت، حوزه‌های نفوذ و شعاع عملکرد می‌باشد.

جدول ۶: تعداد مولفه‌های ساختار اقتصادی و میانگین وزنی آن

ردیف	مولفه‌های ساختار اقتصادی	میانگین وزنی
۱	تمرکزگرایی اقتصادی	۱.۶۸۶
۲	خصوصیتی سازی اقتصادی	۱.۴۴۵
۳	رانت اقتصادی	۱.۴۴۰
۴	ویژگی‌های اقتصادی	۱.۶۲۰
۵	قابلیت‌ها و استعدادهای اقتصادی مناطق	۱.۵۱۲
۶	تبعیض‌های اقتصادی (بودجه‌های اختصاصی مناطق به نفع مرکز)	۱.۶۳۳
۷	گسل‌های اقتصادی (تنش‌های مرکز-پیرامون)	۱.۵۳۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

اقتصادی مناطق دارای کمترین امتیاز بوده‌اند.

مولفه‌های کارگزار

در این جدول مولفه‌های بُعد کارگزار و میانگین وزنی به‌دست آمده از طریق تکمیل پرسشنامه ترسیم شده است.

از بین مولفه‌های ذکر شده در ساختار اقتصادی تاثیرگذار در سازماندهی سیاسی فضا، به ترتیب مولفه‌های: تمرکزگرایی اقتصادی، تبعیض‌های اقتصادی (بودجه‌های اختصاصی مناطق به نفع مرکز)، ویژگی‌های اقتصادی، گسل‌های اقتصادی (تنش‌های مرکز-پیرامون) امتیاز بیشتری را نسبت به سایر مولفه‌ها داشته‌اند. همچنین مولفه‌های رانت اقتصادی، خصوصی سازی اقتصادی، قابلیت‌ها و استعدادهای

جدول ۷: تعداد مولفه‌های کارگزار و میانگین وزنی آن

ردیف	مولفه‌های کارگزار	میانگین وزنی
۱	روسای جمهوری	۱.۸۰۲
۲	استانداران	۱.۲۵۵
۳	فرمانداران	۱.۲۰۳
۴	بخشداران	۱.۱۴۲
۵	نمایندگان مجلس	۱.۶۳۹
۶	امامان جمعه	۱.۲۴۷
۷	شوراهای شهری	۱.۱۱۹

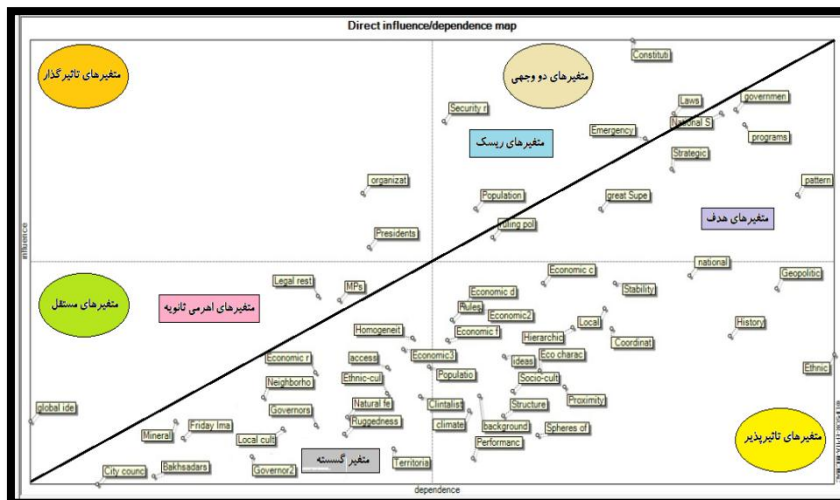
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

تحلیل کمی داده‌ها

با توجه به توضیحات داده شده، نمودار کلی وضعیت قرارگیری مولفه‌های تحقیق در شکل زیر ترسیم شده و به تجزیه و تحلیل مولفه‌ها پرداخته‌ایم.

از بین مولفه‌های ذکر شده در بُعد کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا، به ترتیب مولفه‌های: روسای جمهوری، نمایندگان مجلس، استانداران و امامان جمعه تاثیرگذاری بیشتری در این بُعد داشته‌اند؛ مولفه‌های: فرمانداران، بخشداران و شوراهای شهری کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند.

شکل ۳: نمودار اثر مستقیم/ مستقل مولفه‌ها



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

می‌شوند. به این معنی که تأثیر چندانی بر پویایی سیستم نداشته و در تدوین استراتژی‌های آینده نقش خاصی را ایفا نمی‌کنند. مولفه‌هایی مثل: استانداران، فرمانداران، امامان جمعه، شوراهای شهری و بخشداران از بُعد کارگزار و مولفه‌هایی مانند: منابع معدنی و زیرزمینی و انرژی‌ها، فرهنگ محلی، قلمروخواهی، ناهموازی و وسعت، ویژگی‌های طبیعی، ساختارهای حقوقی مجاورت و همجواری، دسترسی، ساختار قومی- فرهنگی، رانت اقتصادی، تجانس ساختارهای اجتماعی، نظام کلینتالیستی (حامی- پیرو) در ساختار اجتماعی، قوانین و مقررات مربوط به ترکیب جمعیتی و ویژگی‌های اقتصادی از بُعد ساختار در این بخش قرار گرفته که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری زیادی بر سازماندهی سیاسی فضا نداشته و مسیر حرکتی آن‌ها تقریباً جدای از سیستم ارزیابی شده است.

در **ربع سوم (جنوب شرقی)** نمودار مولفه‌ها بیشتر تأثیرپذیر از سایر ابعاد هستند و تأثیر آن‌ها بر کل سیستم بسیار اندک می‌باشد. مولفه‌هایی مانند: حفره‌های قومی مذهبی، قوانین و مقررات، فاصله و مسافت، آرمان وحدت ملی، توسعه هماهنگ ملی، پایداری کشور، مجاورت و همسایگی برون مرزی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی محلی، ساختار سلسله مراتبی، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی (فرهنگ تبعی)، پیشینه تاریخی فرهنگی، نظام اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی، جغرافیا و اقلیم، ویژگی‌های طبیعی، ساختار فضا و تعاملات داخلی و خارجی، جمعیت و

نمودار بالا وضعیت گویه‌های ساختار و کارگزار موثر بر سازماندهی سیاسی فضا در ایران را نمایش می‌دهد. براساس یافته‌های حاصل از نرم افزار و با توجه به داده‌های به‌دست آمده دو مولفه: ۱- روسای جمهوری از بُعد کارگزار و ۲- وجود سازمان‌های ذی نفوذ از بُعد ساختار در **ربع اول (شمال غربی)** قرار گرفته و جز ورودی‌های سیستم به شمار می‌روند. اینها مولفه‌هایی هستند که با وجود قرارگیری در بخش ورودی سیستم، قابلیت تغییر و تحرک بخشی به کل سیستم را دارا هستند. مولفه‌هایی که در این بخش قرار گرفته می‌توانند کل سیستم سازماندهی سیاسی فضا در ایران را تحت تأثیر قرار داده و روند توسعه آن را در آینده مشخص سازند؛ در نمودار به‌دست آمده از مولفه‌های تأثیرگذار در سازماندهی سیاسی فضا، مولفه‌هایی که در **ربع دوم (جنوب غربی)** نمودار قرار دارند به واسطه قرار گیری در بالای قطر یا پایین آن تحلیل‌های متفاوتی خواهند داشت. بر این اساس مولفه‌هایی مثل: نمایندگان مجلس از بُعد کارگزار و اثرگذاری اندیشه‌های جهانی و محدودیت‌های حقوقی همگونگی اجتماعی و فرهنگی از بُعد ساختار جز مولفه‌هایی هستند که با وجود تأثیرپذیری از مولفه‌های ربع اول اما ماهیت تأثیرگذاری داشته و می‌توان به‌عنوان گزینه‌های ثانویه در سازماندهی سیاسی فضا به کار بسته شوند.

مولفه‌های دیگری در این ربع قرار دارند که به واسطه قرارگیری در زیر قطر نمودار جز مولفه‌های گسسته محسوب

پیرامون، نوع حکومت، برنامه‌های توسعه، امنیت ملی، اندیشه‌های استراتژیک، نظارت عالی و گفتمان سیاسی حاکم قرار دارند. این فاکتورها مهم‌ترین عوامل در پویایی سیستم محسوب می‌شوند. به این معنی که نه تنها جز اهداف سیستم در آینده بوده بلکه با دست کاری این مولفه‌ها می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم کمک کرد. در این راستا فاکتورهای گفته شده نقشی مهم و کلیدی در تدوین نوع سازماندهی سیاسی فضا خواهند داشت؛ در نتیجه مولفه‌های یاد شده جز مهم‌ترین مولفه‌های موجود برای تدوین استراتژی در جهت و راستای کاهش آسیب در حوزه سازماندهی سیاسی فضا خواهند بود.

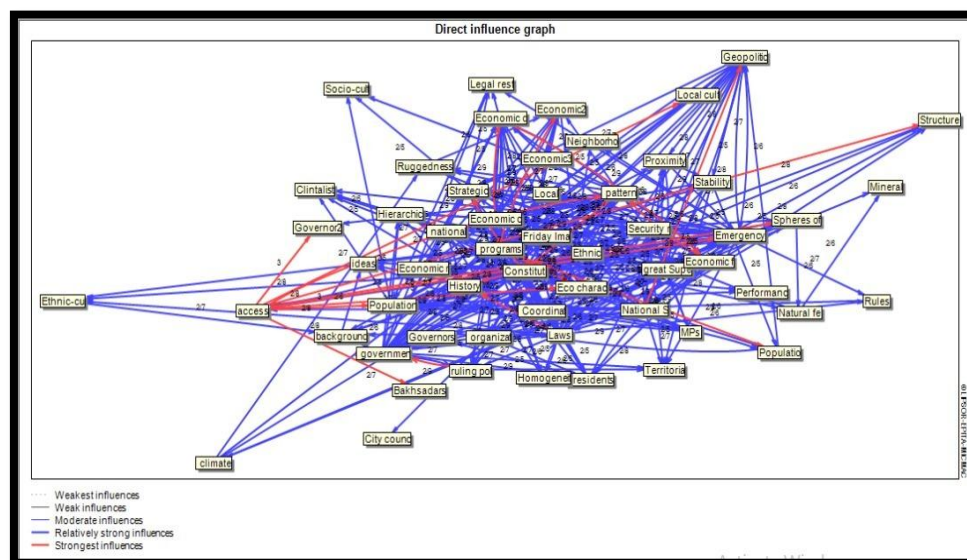
بررسی ارتباط مستقیم بین مولفه‌ها

یک نوع از روابط در میان مولفه‌ها، روابط مستقیم می‌باشد که میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری هر کدام از مولفه‌ها در سیستم مشخص می‌شود. در زیر نمودار ارتباط مستقیم بین مولفه‌های ابعاد ساختار و کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا آورده شده است. این نمودار با استفاده از نرم افزار MICMAC طراحی شده است.

پراکندگی، ناهموازی و وسعت، حوزه‌های نفوذ، شعاع عملکرد، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور، تمرکزگرایی اقتصادی، خصولتی سازی اقتصادی، قابلیت‌ها و استعدادهای اقتصادی مناطق، تبعیض‌های اقتصادی (بودجه‌های اختصاصی مناطق به نفع مرکز)، گسل‌های اقتصادی (تنش‌های مرکز-پیرامون) مولفه‌های تاثیرپذیر شناخته شده‌اند. به این معنی که مولفه‌های عنوان شده در این بخش عموماً وابسته به تغییرات و تحرکات مولفه‌های ربع اول و ربع چهارم هستند. در این راستا با تقویت مولفه‌های ورودی و دو وجهی می‌توان به بهبود مولفه‌های بعد سوم کمک شایانی نمود و سیستم را به سمت پویایی هدایت کرد.

ربع چهارم (شمال شرقی) با تقسیم شدن توسط قطر، شامل دو بخش مولفه‌های ریسک و مولفه‌های هدف خواهد بود. در تحقیق حاضر مولفه‌های بخش ریسک شامل: قوانین امنیتی، جمعیت و پراکندگی، کنترل‌های اضطراری، قانون اساسی و قوانین تقسیمات کشوری می‌شود که پس از مولفه‌های هدف بیشترین تاثیرپذیری و تاثیرگذاری را بر سیستم دارند. در بخش هدف مولفه‌هایی مثل: الگوی توسعه مرکز-

شکل ۴: نمودار اثر مستقیم مولفه‌ها بر هم



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

است؛ به این معنی که در نمودار بالا تاثیر مستقیمی که هر مولفه بر مولفه دیگر می‌گذارد در قالب یک شبکه از ارتباطات آورده شده است. مولفه‌هایی که پیکان‌های بیشتری به سمت آن کشیده

نمودار بالا ارتباطات مستقیم تاثیرگذارترین مولفه‌ها در سازماندهی سیاسی فضا را نمایش می‌دهد. ارتباط مولفه‌ها در جامعه مورد مطالعه به دو گونه مستقیم و غیر مستقیم بررسی شده

تعاملات داخلی و خارجی (میانگین وزنی ۱/۳۱۶)، جمعیت و پراکندگی (میانگین وزنی ۱/۴۶۲)، ناهموازی و وسعت (میانگین وزنی ۱/۲۶۸)، حوزه‌های نفوذ (میانگین وزنی ۱/۲۶۰)، شعاع عملکرد (میانگین وزنی ۱/۱۹۴)، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور (میانگین وزنی ۱/۶۸۳)، تمرکزگرایی اقتصادی (میانگین وزنی ۱/۶۸۶)، خصولتی سازی اقتصادی (میانگین وزنی ۱/۴۴۵)، قابلیت‌ها و استعدادهای اقتصادی مناطق (میانگین وزنی ۱/۵۱۲)، تبعیض‌های اقتصادی «بودجه‌های اختصاصی مناطق به نفع مرکز» (میانگین وزنی ۱/۶۳۳) و گسل‌های اقتصادی «تنش‌های مرکز - پیرامون» (میانگین وزنی ۱/۵۳۳) بیشترین تأثیرپذیری را در سازماندهی سیاسی فضا دارند.

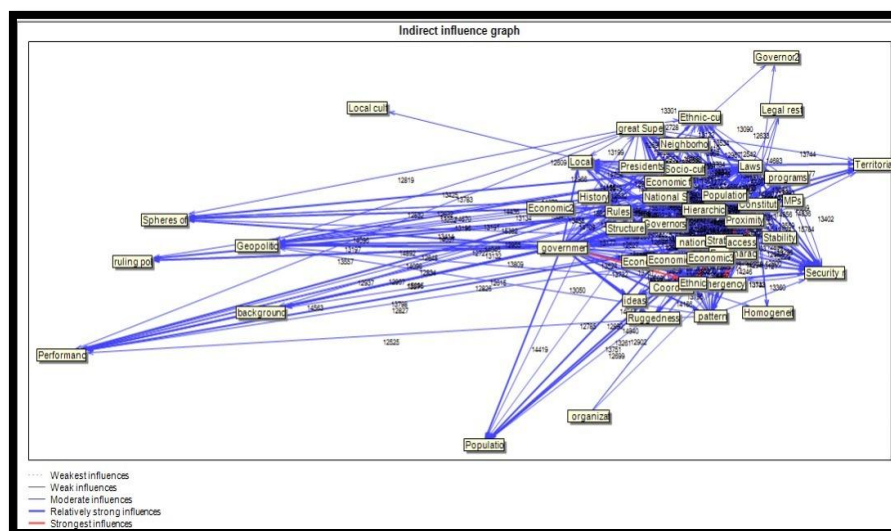
بررسی ارتباط غیر مستقیم بین مولفه‌ها

نوعی دیگر از روابط در میان مولفه‌ها روابط غیر مستقیم می‌باشد که جایگاه آن در تحلیل‌های نهایی و ارائه استراتژی بسیار پر اهمیت خواهند بود. ارتباط غیرمستقیم در واقع تأثیری است که مولفه A با تغییر در شدت و ضعف بر مولفه‌های دیگر بر مولفه B می‌گذارد. این نمودار نیز با استفاده از نرم افزار MICMAC طراحی شده است.

در زیر نمودار ارتباط غیر مستقیم بین مولفه‌های ابعاد ساختار و کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا آورده شده است.

شده باشند بالاترین تأثیرپذیری و مولفه‌هایی که بیشترین پیکان از سمت آن‌ها به سوی سایر مولفه‌ها رفته باشد بیشترین تأثیرگذاری را دارند. مولفه‌های «قوانین امنیتی (میانگین وزنی ۲/۱۵۴)، جمعیت و پراکندگی (میانگین وزنی ۱/۴۶۲)، کنترل‌های اضطراری (میانگین وزنی ۲/۱۰۹)، قانون اساسی (میانگین وزنی ۲/۴۴۲)، قانون تقسیمات کشوری (میانگین وزنی ۲/۱۷۸)، الگوی توسعه مرکز - پیرامون (میانگین وزنی ۱/۹۴۶)، نوع حکومت (میانگین وزنی ۲/۱۸۷)، برنامه‌های توسعه (میانگین وزنی ۲/۱۶۳)، امنیت ملی (میانگین وزنی ۲/۱۷۹)، اندیشه‌های استراتژیک (میانگین وزنی ۲/۰۱۷)، نظارت عالی (میانگین وزنی ۱/۹۱۶)، و گفتمان سیاسی حاکم (میانگین وزنی ۱/۸۳۱) بیشترین تأثیرگذاری را در حوزه سازماندهی سیاسی فضا دارند و عوامل دیگر مانند «حفره‌های قومی - مذهبی (میانگین وزنی ۱/۴۸۷)، قوانین و مقررات فاصله و مسافت (میانگین وزنی ۱/۵۷۸)، آرمان وحدت ملی (میانگین وزنی ۱/۷۲۸)، توسعه هماهنگ ملی (میانگین وزنی ۱/۵۷۱)، پایداری کشور (میانگین وزنی ۱/۶۸۱)، مجاورت و همسایگی برون مرزی (میانگین وزنی ۱/۳۹۹)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی محلی (۱/۶۳۳)، ساختار سلسله مراتبی (میانگین وزنی ۱/۵۷۴)، ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی «فرهنگ تبعی» (میانگین وزنی ۱/۳۸۴)، پیشینه تاریخی فرهنگی (میانگین وزنی ۱/۳۷۲)، نظام اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی (میانگین وزنی ۱/۴۸۸)، جغرافیا و اقلیم (میانگین وزنی ۱/۳۳۲)، ویژگی‌های طبیعی (میانگین وزنی ۱/۳۱۴)، ساختار فضا و

شکل ۵: نمودار اثر غیر مستقیم مولفه‌ها برهم



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

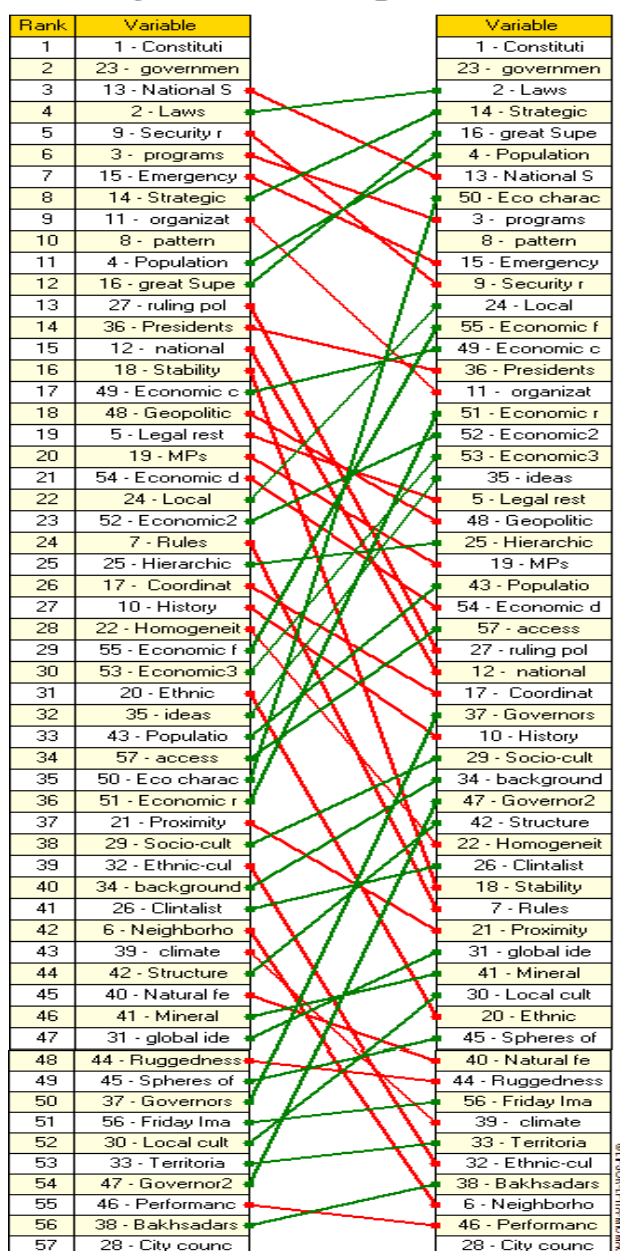
بررسی روند تغییرات رتبه بندی مولفه‌ها

در قدم بعدی میزان جابه‌جایی جایگاه و اهمیت مولفه‌هایی که نقش اصلی را در وضعیت موجود سیستم ایفا می‌کنند، نشان می‌دهد؛ به این معنی که پس از تحرک در مولفه‌های ورودی و همچنین دو وجهی و تغییراتی که در آینده با تمرکز بر این عوامل در سیستم به وجود می‌آید، وضعیت فاکتورهای اصلی موجود چگونه پیش بینی می‌شود و اهمیت آن‌ها در آینده چقدر خواهد بود.

نمودار بالا ارتباطات غیرمستقیم مولفه‌های موثر در سازماندهی سیاسی فضا را نمایش می‌دهد که در آن شاخص‌ها به ترتیب اهمیت اثرگذاری، شامل: شعاع عملکرد، شوراهای شهری، قوانین و مقررات مربوط به ترکیب جمعیتی، قوانین امنیتی، حوزه‌های نفوذ، فرهنگ محلی و.... بوده است. بر این اساس مولفه‌های گفته شده جز مولفه‌هایی هستند که با تقویت آن‌ها می‌توان بر سایر مولفه‌ها در سازماندهی سیاسی فضا تاثیر گذاشت و سیستم را در راستای پویایی و پایداری و کاهش مشکلات و تبعات هدایت نمود.

جدول ۸: تغییرات مولفه‌های اساسی در آینده با استفاده از نرم افزار MICMAC

Classify variables according to their influences



منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۰

همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد میزان اهمیت مولفه‌ها در وضعیت کنونی در ستون سمت چپ جدول مشخص است؛ ستون سمت راست نیز نشان دهنده این است که مولفه‌های تاثیرگذار بر روند سازماندهی سیاسی فضا در ایران با گذشت زمان دچار چه تغییراتی خواهد شد و اهمیت کدام یک از آنها کاهش یا افزایش خواهد یافت. بنابراین مولفه‌های قانون اساسی (مولفه اول)، نوع حکومت (مولفه دوم)، الگوی توسعه مرکز- پیرامون (مولفه دهم) و شوراهای شهری (مولفه پنجاه و هفتم) بدون تغییر به روند خود ادامه خواهند داد؛ مولفه‌هایی مانند امنیت ملی (مولفه سوم)، قوانین امنیتی (مولفه پنجم)، برنامه‌های توسعه (مولفه ششم)، کنترل‌های اضطراری (مولفه هفتم)، وجود سازمان‌های ذی نفوذ (مولفه نهم)، گفتمان سیاسی حاکم (مولفه سیزدهم)، روسای جمهوری (مولفه چهاردهم)، آرمان وحدت ملی (مولفه پانزدهم)، پایداری کشور (مولفه شانزدهم)، موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور (مولفه هیجدهم)، محدودیت‌های حقوقی همگونی اجتماعی و فرهنگی (مولفه نوزدهم)، نمایندگان مجلس (مولفه بیستم)، تبعیض‌های اقتصادی «بودجه‌های اختصاصی مناطق به نفع مرکز» (مولفه بیست و یکم)، قوانین و مقررات فاصله و مسافت (مولفه بیست و چهارم)، توسعه هماهنگ ملی (مولفه بیست و ششم)، پیشینه تقسیمات کشوری (مولفه بیست و هفتم)، تجانس ساختارهای اجتماعی (مولفه بیست و هشتم)، حفره‌های قومی- مذهبی (مولفه سی و یکم)، مجاورت و همسایگی برون مرزی (مولفه سی و هفتم)، ساختار قومی- فرهنگی (مولفه سی و نهم)، ساختارهای حقوقی مجاورت و همجواری (مولفه چهل و دوم)، جغرافیا و اقلیم (مولفه چهل و سوم)، ویژگی‌های طبیعی (مولفه چهل و پنجم)، ناهمواری و وسعت (مولفه چهل و هشتم)، شعاع عملکرد (مولفه پنجاه و پنجم)، از جمله مولفه‌های تاثیرگذار در وضعیت کنونی در حوزه سازماندهی سیاسی فضا هستند، اهمیت کمتری خواهند یافت و قوانین تقسیمات کشوری (مولفه چهارم)، اندیشه‌های استراتژیک (مولفه هشتم)، قوانین و مقررات مربوط به ترکیب جمعیتی (مولفه یازدهم)، نظارت عالی (مولفه دوازدهم)، تمرکزگرایی اقتصادی (مولفه هفدهم)، رقابت‌های ژئوپلیتیکی محلی (مولفه بیست و دوم)، ویژگی‌های اقتصادی (مولفه بیست و سوم)، ساختار سلسله مراتبی (مولفه بیست و پنجم)، گسل‌های اقتصادی «تنش‌های

مرکز- پیرامون» (مولفه بیست و نهم)، قابلیت‌ها و استعدادهای اقتصادی مناطق (مولفه سی‌ام)، نظام اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی (مولفه سی و دوم)، جمعیت و پراکندگی (مولفه سی و سوم)، دسترسی (مولفه سی و چهارم)، خصولتی سازی اقتصادی (مولفه سی و پنجم)، رانت اقتصادی (مولفه سی و ششم)، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی «فرهنگ تبعی» (مولفه سی و هشتم)، پیشینه تاریخی فرهنگی (مولفه چهلیم)، نظام کلینتالیستی «حامی- پیرو» در ساختار اجتماعی (مولفه چهل و یکم)، ساختار فضا و تعاملات داخلی و خارجی (مولفه چهل و چهارم)، منابع معدنی و زیرزمینی و انرژی‌ها (مولفه چهل و ششم)، اثرگذاری اندیشه‌های جهانی (مولفه چهل و هفتم)، حوزه‌های نفوذ (مولفه چهل و نهم)، استانداران (مولفه پنجاهم)، امامان جمعه (مولفه پنجاه و یکم)، فرهنگ محلی (مولفه پنجاه و دوم)، قلمروخواهی (مولفه پنجاه و سوم)، فرمانداران (مولفه پنجاه و چهارم) و بخشداران (مولفه پنجاه و ششم) اهمیت بیشتری خواهند یافت. همانطور که مشخص است مجموعه‌ای از فاکتورها در این بحث دخیل هستند و نیاز به برنامه ریزی مدون به منظور کنترل، مدیریت و بهبود سازماندهی سیاسی فضا هست.

نتیجه گیری

هر حکومتی برای اداره بهتر قلمرو خود اقدام به قلمروسازی در ابعاد مختلف می‌کند. قلمروسازی در وهله اول یک استراتژی برای ایجاد فضاها و سامان بخشیدن به آنها از طریق سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری است. سازماندهی سیاسی فضا در عرصه جغرافیای سیاسی فرایندی است که طی آن برای دستیابی به اهداف مطلوب بین افراد و گروه‌ها برای مدیریت سرزمین تقسیم کار صورت می‌گیرد. در طی این تقسیم کار مجموعه‌ای از روابط تشکیل می‌گیرد که به صورت غیررسمی و رسمی تقویت می‌شوند و در مدیریت سرزمین تاثیرات خود را بر جای گذاشته و فعالیت‌های ابعاد مختلف و وابسته به یکدیگر را برای دستیابی به اهداف مشترک ساماندهی می‌کند. این سازماندهی سیاسی فضا در یک چشم انداز فراگیر، آینده نگر و استراتژیک و با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود در عرصه سرزمین (طبیعی، انسانی) به دنبال ایجاد تعادل در محیط و ایجاد فرآیند توسعه پایدار سرزمین است. برنامه ریزی در سیاست

مدیریت فضا مبتنی بر آگاهی و شناخت از فرصت‌ها و تهدیدها و نحوه استفاده از فضا است؛ اگر این سازماندهی سیاسی فضا به‌طور صحیح و کارآمد به مدیریت بپردازد، می‌تواند رشد و تعالی کشور را سبب شده و با در نظر گرفتن کلیه محدودیت‌ها و مشکلات به عدالت جغرافیایی دست بیابد.

تقسیمات کشوری، یکی از ابعاد سازماندهی سیاسی فضا است. نظام تقسیمات کشوری در هر کشور نقش مهمی در ثبات و توسعه آن کشور دارد و تقسیمات کشوری مناسب می‌تواند موجب کاهش نابرابری‌ها و توسعه متوازن همه نواحی یک کشور را در پی داشته باشد. سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. با توجه به وسعت کشور ایران، تنوعات اقلیمی-جغرافیایی، کثرت و تنوع مذهبی، قومی-زبانی، جهت برنامه ریزی‌های مناسب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای مدیریت بهینه امور سرزمینی نیازمند تقسیمات کشوری مناسب است. اما در حال حاضر سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری در ایران با چالش‌های فراوانی مواجه است و نه تنها توسعه متعادل کشور را در پی نداشته است بلکه باعث ایجاد توسعه نامتوازن، بی‌عدالتی فضایی، شکل‌گیری و تشدید الگوی مرکز-پیرامون، ... شده است.

در این تحقیق به آسیب شناسی سازماندهی سیاسی فضا در ایران از منظر رهیافت ساختار-کارگزار پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در سازماندهی سیاسی فضا در ایران معیارها و مولفه‌های متعددی نقش دارند که هر کدام به نسبت تاثیرگذاری و تاثیرپذیری در این امر نقاط قوت و ضعفی داشته‌اند. از مهمترین مولفه معیارها در قوانین بالادستی و فرادستی مانند قانون اساسی و قوانین تقسیمات کشوری می‌باشد که مبنای سازماندهی سیاسی فضا بوده که در اغلب موارد به دلیل تک بعدی بودن مانند در نظر گرفتن پایه جمعیت، یا غلبه بعد سیاسی-امنیتی حاکمیت بر قانون تقسیمات کشوری، دارای نقص‌ها و ایراداتی می‌باشد. چون عرصه سرزمین که معیار ثابت است با یک مولفه سیال تقسیم بندی می‌شود که چالش‌های فراوانی را سبب می‌شود. همچنین مولفه نوع حکومت براساس تک ساخت (بسیط)، فدرالی یا ناحیه‌ای بودن برای مدیریت بهتر قلمرو خود، حاکمیت خود را در چارچوب مدل‌های مدیریت فضا و سازماندهی سیاسی آن در پهنه سرزمینی گسترش می‌دهند.

بنابراین، نوع حکومت، اندازه اختیارات واگذار شده و میزان توزیع قدرت توسط حکومت مرکزی در سطح ملی، نقشی اساسی در شکل‌گیری سیستم ارتباطی بین عناصر سازماندهی سیاسی فضا هم از لحاظ بُعد ساختار و هم از لحاظ بُعد کارگزار دارد. اگر روابط باعث ایجاد اختلال در نظم فضایی سازمان یافته شود و کارکرد مولفه‌ها و شاخصه‌ها را دچار اختلال کند، این نظم فضایی در عرصه مدیریت سیاسی فضا، دچار آشفتگی و بهم ریختگی شده و هرچه شدت این مسئله بیشتر باشد، ماندگاری سیستم سازماندهی سیاسی فضا کمتر خواهد بود.

در حال حاضر ساختار حکومت ایران تک ساخت (بسیط) و متمرکز است و تمرکزگرایی سیاسی، اقتصادی در نواحی مرکزی ایران حاکم است، در نتیجه عدم توسعه یافتگی نواحی پیرامونی (حاشیه‌ای) و مرزی ایران را در پی داشته است که باعث استقرار و تشدید الگوی مرکز-پیرامون، بی‌عدالتی فضایی و پیامدهایی از جمله توزیع نامتوازن جمعیت، بیکاری، مهاجرت و حاشیه نشینی، افزایش تبعیض، فقر، تخریب محیط زیست ناشی از تمرکز شدید جمعیت در نواحی مرکزی و ... را به وجود آورده است و لازم است با تمرکززدایی (اقتصادی، سیاسی، ...) به نواحی پیرامونی (حاشیه‌ای) و مرزی ایران بیشتر توجه شود و ضمن رفع مشکلات توسعه نیافتگی نواحی پیرامونی کشور با دادن اختیارات سیاسی، اداری به این نواحی؛ بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیستی نواحی پیرامونی (حاشیه‌ای) و مرزی کشور را کاهش داد.

در این تحقیق، اثرگذاری عامل ساختار یا کارگزار در سازماندهی سیاسی فضا در ایران مورد بررسی قرار گرفته است که در بعد ساختار بر ۶ بخش از جمله: ساختار اقتصادی، ساختار فضایی (جغرافیایی)، ساختار فرهنگی، ساختار سیاسی، ساختار امنیتی و ساختار حقوقی و در بعد کارگزار بر ۷ مولفه: روسای جمهور، نمایندگان مجلس، استانداران، فرمانداران، بخشداران، شوراهای شهری و امامان جمعه تاکید شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عامل ساختار با مولفه‌هایی چون قانون اساسی، نوع حکومت، امنیت ملی، قوانین تقسیمات کشوری، برنامه‌های توسعه، قوانین امنیتی، کنترل‌های اضطراری، اندیشه‌های استراتژیک، نظارت عالی، گفتمان سیاسی حاکم و الگوی توسعه مرکز-پیرامون بیشترین اثرگذاری را در سازماندهی سیاسی فضا داشته‌اند و در بین مولفه‌های کارگزار، هرچند مولفه روسای

جمهوری و نمایندگان مجلس، وزن بالایی در سازماندهی سیاسی فضا در ایران دارند اما سایر مولفه‌های کارگزار تاثیرگذار نیستند و در مجموع می‌توان گفت میزان تاثیرگذاری عامل ساختار در سازماندهی سیاسی فضا در ایران بیشتر از عامل کارگزار می‌باشد. بنابراین براساس نتایج تحقیق می‌توان گفت که عامل ساختار بیشتر از کارگزار تاثیر دارد و برای رفع چالش‌ها و آسیب‌های

سازماندهی سیاسی فضا در ایران باید بیشتر بر عامل ساختار توجه داشت و با برنامه ریزی مناسب، جهت رفع چالش‌ها و آسیب‌های موجود، آن را بهبود بخشید.

در این پژوهش راهبردها و راهکارهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

جدول ۹: راهبردها و راهکارهای سازماندهی سیاسی فضا در جمهوری اسلامی ایران

راهبرد ۱	تمرکز زدایی از قدرت در بعد سیاسی، اجرایی و تقنینی
راهکارها	کاهش تعارضات در قوانین
	توجه به ضرورت تاریخی در تدوین قوانین
	گسترش قدرت تصمیم گیری نهادهای سازمان‌های مردمی و واگذاری اختیارات سطوح محلی
	تغییر نگرش به یکسان نگرى مناطق
	تمرکززدایی در توزیع قدرت سیاسی و افزایش اختیارات (سیاسی، اداری...) نواحی پیرامونی کشور
	تغییر سیستم متمرکز به ساختار غیرمتمرکز و فدرال جهت برقراری تعادل و توازن منطقه‌ای
راهبرد ۲	یگانگی در بین عرصه علم و عمل
راهکارها	تعامل و همکاری نخبگان دانشگاهی با سیاستمداران
	نقد و بررسی مداوم عملکرد سیاستمداران در حوزه دانشگاه
	استفاده از تجربیات سایر کشورها در حوزه علم و عمل
	استفاده از متغیرهای علمی- جغرافیایی در اجرای سازماندهی سیاسی فضا
راهبرد ۳	تعیین و تدوین استانداردهای مورد نیاز
راهکارها	تهیه استانداردهای مورد نیاز جهت تعیین مدیران آشنا به امور
	تقویت و بهبود امور کارشناسی در حوزه سازماندهی سیاسی فضا
	تعیین تخصص‌های لازم در این حوزه
	اطلاع از آخرین دستاوردها در بهبود سازماندهی سیاسی فضا
راهبرد ۴	کاهش و حذف شکافها
راهکارها	شناسایی نقاط آسیب پذیر
	افزایش و بهبود دانش در بخش‌های مختلف اعم از خصوصی و عمومی
	فراهم سازی دسترسی کلیه نقاط به خدمات
	حذف نگاه امنیتی به موضوعات
	کاهش تمرکزگرایی سیاسی- اقتصادی و رفع گسل‌های موجود (سیاسی، اقتصادی)
	کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و حذف شکاف‌های مرکز- پیرامون
راهبرد ۵	برقراری تعادل‌های فضایی
راهکارها	توسعه مناطق پیرامونی (حاشیه‌ای) و کاهش نابرابری‌ها
	کاهش مهاجرت‌ها با توسعه مناطق پیرامونی (حاشیه‌ای) و مرزی
	کاهش تمرکزگرایی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) مناطق مرکزی
	توزیع عادلانه ثروت و قدرت جهت شکل گیری عدالت سرزمینی
	توزیع برابر فرصت‌ها و امکانات جهت رفع بی عدالتی فضایی
راهبرد ۶	اصلاح ساختار فرهنگی
راهکارها	افزایش مشارکت مردمی در سازماندهی سیاسی فضا
	افزایش آگاهی و ارتقای فرهنگ سیاسی مردم در این حوزه
	اصلاح اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی مردم در تقسیمات ناحیه‌ای و محلی
	انطباق تقسیمات استانی با ساختار فرهنگی مناطق

- Factors Affecting the Organization and Political Management of Space in the Countries of the World. *Geopolitical Quarterly*, Vol.17, No.2, 30.
- 8- Mottaqi, Afshin and Ebrahim Ahmadi. (2020). Explaining the Factors Affecting Maritime Territoriality /Expansion from the Perspective of Structure-Agent. *Quarterly Journal of Geography and Urban-Regional Planning*, Tenth Year, No.35, 109.
 - 9- Mottaqi, Afshin and Mohammad Reza Abdollahpour. (2019). A New Perspective on Middle East Geopolitics (Foundations, Theories, and Actors). First Edition, Iran Geopolitical Association Publications, 31.
 - 10- Mir Haidar, Dorreh and Hossein Hamidinia. (2006). Comparison of Political Geography and International Relations in Methodology and Concepts. *Geopolitical Quarterly*, Second Year, No.1, 23, 24.
 - 11- Mir Haidar, Dorreh and Fatemeh Sadat Mirahmadi. (2017). The Course of Thought in Traditional and Modern Political Geography (1897 to the late 1980s). First Edition, University of Tehran Press, 356.
 - 12- Hoshyar, Mohammad Mehdi. (2000). Analysis of the Pattern of Administrative Divisions in North Khorasan. Master Thesis in Political Geography, Tarbiat Modares University, 5.
 - 13- Ahmadipour, Zahra., & Mirzaeitabar. Meysam. (2011). Place Feeling Role in the Political Organization of Space. *Environmental Planning Quarterly*, Vol.4 (12), 47-62. [In Persian].
 - 14- Ansell, C. K., & Plama, G.D. (2002). On Restructuring Territoriality: Europe and North America. Cambridge University Press, 2.
- تشکر و قدردانی:** موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.
- تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع:** موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.
- سهم نویسندگان/منابع مالی و حمایت‌ها:** موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.
- منابع**
- 1- Afzali, Rasool. (2017). Methodology in Political Geography and Geopolitics (Transpositional Methods). First Edition, University of Tehran Press, 100, 121.
 - 2- Bashirieh, Hussein. (2007). History of Political Thought in the Twentieth Century (1). Marxist Thoughts, First Edition, Ney Publishing, 284.
 - 3- Bashirieh, Hussein. (2013). Political Sociology. 23rd Edition, Ney Publishing, 47.
 - 4- Rahimi, Reza et al. (2018). Analysis of Geopolitical Factors in the Formation of the Arab Military Coalition in Southwest Asia and Its Effects on the Security of the Islamic Republic of Iran. *Human Geography Research*, Vol.50, No.4, 1018.
 5. Flint, Colin. (2011). An Introduction to Geopolitics. Translated by Mohammad Baqer Qalibaf and Mohammad Hadi Poyandeh, first edition, Qom Publishing, 50-51.
 - 6- Qalibaf, Mohammad Baqir. (2017). Centralization and Decentralization in Iran towards Semi-centralized Model Design. First edition, University of Tehran Press, 154.
 - 7- Kavandi Kateb, Abolfazl and Mohammad Reza Hafeznia. (2021). A Study of the